# کارکرد و نقش نماز بر شکل گیری هویت و خودشناسی دانش­آموزان

## امیرخوشحال

## کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، فرهنگی، ایران، گیلان، رضوانشهر

## شهین مجاوری

## کارشناس تربیت بدنی، فرهنگی، ایران، گیلان، رضوانشهر

چکیده

در این مقاله سعی می­شود که رابطه نماز با عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و غیره از منظر دین مورد تحلیل قرار گیرد بخصوص با تاکید بر آیات قرآن کریم، در نوشتار حاضر ابتدا به نقش نماز در ایجاد مسایل اجتماعی و سپس به اهداف تاثیرات نماز بر مسائل سیاسیکه امروزه در سراسر جهان اسلام به ویژه در کشور ما نقش مهمی در حوادث سیاسی دارد اشاره می­شود و در ادامه به نقش نماز بر عوامل فرهنگی در قالب قواعد و مقامات اساسی از آداب و عادات و رفتار روزمره تا روش های علمی، اعطای ارزش های مشروع، هویت ساز و ایجاد نقش اجتماعی، دینی و ایجاد زمینه برای جامعه پذیری سیاسی، توضیح داده می­شود سپس در میان رابطه میان نماز و نشانگان گروه و عوامل پدید آورنده آن، و نیز عدم آسیب های افراد نمازگذار تفصیلا بحث می­شود. توسل به نماز و توکل به خدا عمل انسان نمازگزار را هدایت کرده و در جهت خاصی قرار می­دهد واگر فرهنگ را به یک معنی آداب و سنن، راه و روش و طرز زندگی مردم بدانیم، نماز در واقع مشخص کننده طرز زندگی است، در جوامعی که فرد بر اساس فرهنگ مذهبی تربیت شده باشد تحت تاثیر فرهنگ غیر مذهبی قرار نمی­گیرد و اعتقادات باورها و ارزش­های او به عنوان سدی در برابر فرهنگ های بیگانه و تهاجمات آن قرار می­گیرد و بدین ترتیب مانع تهاجمات فرهنگی می­شود. هم چنین عامل جدایی و تمایز گروه­ها در اسلام نماز است که وجه تمایز گروه­ها در اسلام را مشخص می­کند و همین نماز است که به گروه­ها شکل می­دهد و اولین شکل آن نیز نماز جماعت است.

واژگان کلیدی: نماز، هویت، سیاست، فرهنگ، اجتماع، سلامت.

مقدمه

انسان اشرف مخلوقات است و داشتن این مقام بلند مرتبه و شایسته در شان فقط انسان است و بس، این مقام والا ایجاب می­کند که انسان از اعطاء کننده آن تشکر و قدردانی کند و در همه مذاهب این تشکر و قدردانی موجود و بهترین راه این تشکر و قدردانی هم نماز است؛ انسان بخاطر عروج خود به سوی آفریدگار و نیز نزدیکی به او بهترین راه را برای این نزدیکی و نیز عروج خود نماز می­داند، و نماز تجدید پیمانی است با خدا از جانب بنده خودش، بنده­ای که همیشه بنده می­ماند. در این مقاله سعی می­شود، اثرات نماز و راه های برگزاری نماز و تاثیرات نماز در بعد جامعه­شناختی و روانشناسی وایجاد ابعاد دیگر نظام اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد، چون محور نماز در این مقاله اصلی­ترین محور در تمام ابعاد در نظر گرفته شده بنابراین اگر ایراداتی به این مقاله وارد است این ناشی از ضعف نگارندگان می­باشد و چون اصل را نماز قرار دادیم پس به تمام پدیده­ها با دید اثرات نماز نگاه می­کنیم و سعی می­کنیم نماز را پایه و اساس هر واقعیتی قرار دهیم، بنابراین امیدواریم در هر صورت کار ما، بهتر و اصیل­تر درآید، باشد که مورد قبول درگاه حق قرار گیرد.

تاثیرات اجتماعی نماز بر افراد

الف: نماز عامل پرورش نسل سالم است: نماز در تمام ارکان زندگی، نقش دارد بنابراین برای تمام امور زیربنایی جامعه الگوی رفتار یا هنجار و قانون وضع می­کند و افراد نیز خود را با این قوانین هماهنگ می­کنند در نتیجه جامعه­ای خواهیم داشت سالم و این امر خود منجر به راه دوم می­شود یعنی اصلاح افراد به عنوان خشت و آجر زیربنایی این جامعه.

وقتی افراد اصلاح شوند جامعه اصلاح می­شود یعنی از دو سمت، ابتدا با طرح قوانین موجب اصلاح جامعه شده که اصلاح جامعه خود افراد تحت نظر و پوشش خود را اصلاح می­کند و از سوی دیگر با اصلاح تک تک افراد موجب اصلاح خانواده،گروه، فرد، شهر و جامعه می­شود.

نمازهای جماعت فرد را از خودگرایی، انزوا و گوشه­گیری خارج کرده و از طرف دیگر وادار می­کند که با غرور و خود خواهی مبارزه کند و از این طریق او را وارد جامعه نموده و عضوی فعال از جامعه درست می­کند و فردی که وارد جامعه شد جهت اعتلای آن می­کوشد.

آقای قرائتی در کتاب پرتوی از اسرار نماز می­نویسد:”عبادت به عنوان عامل سازنده فرد و جامعه است، عبادت و توجه به خدا و پرستش او چون با نادیده گرفتن هوس­ها وتمایلات و تفاخر نداشتن نسبت به نژاد و لباس و زمان و زمین و شهر است و انس گرفتن با خدا ودل بستن به بی­نهایت قدرت و کمال تشکر از صاحب نعمت است، این مسایل در ساختن فکر و زندگی فردی و اجتماعی مردم نقش دارد و عبادت، حرکت در مسیر مستقیم الهی است، عبادت هم انسان را به صورت فردی از پیروی هوس­ها و گناهان وشیطان نجات می­دهد و هم یک جامعه عابد، خدا را می­پرستند و از پرستش طاغوت­ها و ستمگران و ابر قدرت­ها آزاد می­شوند، عبادت هم فرد ساز است و هم جامعه ساز، فساد جوامع بیش تر از گرایش به عبودیت و پرستش غیر خدا سرچشمه و ریشه می­گیرد.(قرائتی، 1369: 21-20)

جامعه­ایی که به سمت خدا رفت در واقع خداوند دل آن جامعه را فتح و بر دل­ها غالب شود پس دیگر در این جوامع جایی برای غیر خدا دردل ها باقی نمی­ماند و این امر یعنی اصلاح فرد و اصلاح افراد و اصلاح جامعه.

ب: تاثیر نماز بر سایر نهادها و نظام ها: چون جامعه از مجموعه نهادها و نظام­های مختلف تشکیل شده مانند نظام­های خانواده، اقتصاد، لباس، فرهنگ و غیره؛ اما در جوامع مذهبی، دین فقط نهاد یا نظام در کنار سایر نهادها و نظام­ها نیست بلکه سرلوحه آن­هاست و نهادی که در راس سایر نهادها به عنوان هادی و جهت دهنده به سایر نهادها عمل می­کند یعنی وقتی جامعه دینی شد اقتصاد نیز دینی می­شود، در واقع دین سکان­دار نهادهای دیگر می­شود و اگر آن جامعه رو به سوی افول گذشت مطمئناً دین آن جامعه، کارائی خود را از دست داده و یا رهبران قادر نیستند دین را زنده و پویا کرده و به روز درآورند.

دکتر بهشتی در همین زمینه می­گوید:"نماز به آدمی نشاط معنوی خاصی می­دهد و از پژمردگی و افسردگی روح جلوگیربی می­کند، نماز بهترین وظیفه­شناسی است، عادت به نماز در واقع مانعی در برابر بی­بندو­باری و سهل­انگاری او نسبت به وظایف دیگر است وکمکی به پیشرفت او در زندگی است" (بهشتی، 66­13: 33-32)

نهاد دین نسبت به سایر نهادها از دوام و پایداری بیش تری برخوردار است از مهم ترین دلایل این پایداری یکی خدایی بودن آن و دیگری فطری بودن آن است و همین عوامل باعث قوام و دوام و پایداری بودن آن است و به دیگر نهادها اثر می­گذارد و کم تر از دیگر نهادها متاثر می­شود، و این عوامل باعث می­شود که به نهادهای دیگر جهت دهد و از دیگر نهادها کم تر و شاید به هیچ وجه جهت نپذیرد.

ج: تاثیر نماز بر گروه­های اجتماعی و شکل­گیری آن­ها: عواملی که گروه­های انسانی به واسطه آن شکل می­گیرد عبارتند از ثروت یا مسائل مادی، فرهنگ، تاریخ، تمدن، زبان، خون، نژاد و فکر و عقیده که گروه­های اسلامی بیش تر بر اساس دو مورد فکر و عقیده ایجاد می­شوند، در نماز این گروه­ها را می­توان از یکدیگر باز شناخت.

قرآن کریم خود اذعان دارد: انا خَلَقنا کُم مِن ذَکَرَ واَثنی و جعناکُم شعٌوباً و قبائل لتعارفوا اِن اَکرمَکمٌ عندالله عندالله اتقکٌم : ما شما را از مرد و زن آفریدیم و به صورن شعبه و قبیله قرار دادیم برای بازشناسی، براستی که گرامی­ترین شما نزد خدا تقواترین شماست.

نتیجه­ای که از این آیه گرفته می­شود اول اینکه گروه، گروه بودن انسان ها به فرمایش قرآن از ابتدا بوده و یک امر طبیعی است، دوم اینکه وجود گروه­های مختلف برای تفاخر نیست بلکه برای تمایز است و سوم اینکه عامل تمایز این گروه­ها تقوی و پرهیز­کاری است ولی همان تقوی که این همه امتیاز ایجاد می­کند نمی­تواند عامل فخر وبزرگ­منشی باشد به زبان دیگر آدم متقی­تر بالاتر و والاتر نیست.

عامل جدایی و تمایز گروه­ها در اسلام طبق سوره ابراهیم آیه چهل، نمازگزاردن است، یعنی این نماز است که وجه تمایز گروه­ها در اسلام را مشخص می­کند و همین نماز است که به گروه­ها شکل می­دهد و اولین شکل آن نیز نماز جماعت است، جماعتی که در سازماندهی یک جامعه موثر بوده و پدید آورنده جمعیت و گروه هاست.

جالب این که نماز جماعت نوعی گردهمایی است که درآن تفاخر وجود ندارد صف اول و آخر آن با هم تفاوتی ندارد، دارا وندار آن و چپ و راست آن دارای یک پایگاه اجتماعی است، پس نماز به این دلیل در شکل­دهی به گروه­ها موثر است که تمام لوازم ابتدائی و کارکردی گروه و جامعه را فراهم می­کند و یکی از مهم ترین آثار نماز تقویت روحیه جمعی است مانند نمازهای عیدیه که می­تواند در بسیج مردم در همه زمینه­ها موثر شود و مردم را آماده کند برای خدمت در همه زمینه ها.

د: نماز عامل جلوگیری از گرایش انسان به مفاسد اجتماعی: عالم محضر خداست در محضر خدا گناه نکنید، این جمله­ی مشهور امام خمینی (ره) بر تارک اکثر خیابان­ها و کوچه­های شهرها و روستاها دیده می­شود، ولی برای هرکس مفهوم ندارد و فقط برای کسانی که خدا را با پوست و استخوان و خون خود احساس کرده­اند و خدا را انگار می­بینند، این­ها فقط نمازگزاران هستند و وقتی این حس و باور وجود داشته باشد که خدا را همیشه حاضر و ناظر بر امورخود ببینیم، حتی فکر گناه را از سر بیرون می­کنیم، یک نمازگزار ابراهیمی (ع) احساس می­کند که نمازش، حیاتش، مماتش و همه چیزش برای خداوند عالمین است و بر عکس فردی که از نماز جداست یا اهل نماز خواندن نیست پس مانعی نیز بر سر راهش نمی­بیند، ناظری را بر کارهایش قائل نیست، پس ترسی از افتادن به مفاسد اجتماعی به خود راه نمی­دهد.

تعدادی نیز فقط نماز می­گذارند ولی به باور نماز نرسیده­اند، خدا را فقط در همان محدوده­ی زمانی انجام نماز می­بینند، آن ها نیز تا زمانی که در نمازند با خدا هستند و همین که از نماز فارغ شدند خدا را نیز به فراموشی می­سپارند در نتیجه فکر خطا و گناه درآن ها نیز هست ولی به نسبت از دسته اول کم تر؛ پس می­توانیم بگوییم که به آوردن دلایل زیر می­شود نتیجه گرفت که نماز و نماز­گذاری، افراد را از افتادن به دام گناه بر حذر می­دارد و او را به راه راست هدایت می­کند.

اما مهم ترین دلایل برای نماز گزاردن :1-نماز ابتدا با قصد قربت شروع می­شود، یعنی با این قصد وضو گرفته می­شود، تکبیرالاحرام گفته می­شود، همین عامل خود عاملی اساسی است، نزدیکی به خدا انسان را از نزدیکی به شیطان و غیر خدا باز می­دارد، و هدف قصد قربت و ملاقات باخداست(یعنی بالاترین قدرت ها).

2-نماز ذکر است یعنی چیزی که واقعیت دارد اما انسان ازآن غافل است(حائری شیرازی، 1362: 5)نماز درواقع زنگ خطری است که مدام به صدا در می­آید و انسان را از غفلت بیرون می­آورد به همین دلیل انجام گناه و افتادن به فساد کاهش می­یابد.

3-آن کسی که خدا را مالک یوم الدین می­داند، برای قدرت و شهرت گریبان چاک نمی­زند، آن کس که خدا را رحمان و رحیم می داند، برای چند صباحی لمیدن از ناز نعمت، خود را به رشوه و ربا نمی فروشد و آن کس که فقط از خدا مدد می­جوید به زد و بندهای اداری نمی­اندیشد و بندگان خدا را با تیغ زبان زیان نمی­رساند بلکه با رحمت و مودت بر مومنان می­گشاید و شمشیرش را تنها بر کفار و معاندان از نیام می­کشد، مردم را بندگان خدا می­داند و سعادت را در تقرب به حق و خدمت به خلق می داند

4-در اذان وقتی جمله”حی علی خیرالعمل» بیان می­شود، ضمن اینکه نماز را بالاترین عمل­ها می­داند، در عین حا به ما می­آموزد که عبادت فقط رکوع و سجود نیست بلکه با خیر و عمل صالح نیز همراه است؛ قرآن کریم می­فرماید:

«یا ایها الذین آمنو ارکعوا و اسجدوا و اعبدوا ربکم وافعلوا الخیر لعکم تفلحون”«ای کسانی که ایمان آورده­اید رکوع کنید و سجده و پروردگارتان را عبادت نمایید و عمل خیر انجام دهید باشد که رستگار شوید(سوره حج: آیه 77)

پس در واقع نمازگزار لفظ خیرالعمل را می­شنود خودش را برای هر نوع خیری آماده می­کند، دیگران این فکر را نداردکه حال از نماز فارغ شدم یعنی اینکه با خداوند وداع کردم دیگر نه من او را می­بینم نه (نعوذبالله) او مرا می­بیند تا وعده نماز بعدی، بلکه خود را مدام زیر زره­بین خدا و او را دائماً ناظر و حاضر بر اعمال خود می بیند پس سعی می­کندکه برای خشنودی و رضایت حق تعالی بهترین اعمال را انجام دهد 5-آیه صریح قرآن” اقم الصوه اِن اصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر» نماز بپا داریدکه نماز انسان ها را از زشتی­ها وتباهی­ها باز می­دارد (سوره عنکبوت: آیه 45)دلیلی بالاتر از سخن خداوند وجود ندارد، مثل این می­ماند که خداوند ضمانت کاری یا کسی را بنماید.

6-« نماز تقویت کننده روحیه اخوت و برادری است(قرائتی، 1369: 32)وقتی برای جامعه­ای روحیه برادری حاکم باشد مسلماً برادر به مال جان برادر دینی خود به چشم طمع نگاه نمی­کند بلکه سعی در نگهداری از آن­ها حتی در غیاب برادر دینی خود می­نماید، بیاد بیاوریم دوران ورود مهاجران از مکه به مدینه و اقدام ایثار­گرانه انصار در حق مهاجرین راه.

7-نماز یاد خداست (اقم­الصوه) یاد دائمی خدا مانع انجام گناه و فساد و باز داشتن از کارهای زشت است و همین یاد خدا در واقع پاکی و صفای روح است، بندگی است در برابر خدا نه در برابر شیطان(قرائتی، 1369: 21)

8-وسیله کمال­جویی و کمک­یابی از خداوند است« یعنی از خداوند برای کمال­یابی می­خواهیم که برای گناه نکردن به ما کمک کند وقتی رسول بزرگوار با آن همه عظمت از خداوند می­خواهد: خدایا لحظه­ای ما را به خود وامگذار، حساب ما پاک است پس از او می­خواهیم در هر لحظه به ما یاری و کمک کند(جوادی آملی و دیگری،77­13: 14)

9- نماز به عنوان شعار دین است، شعار نماز اذان است، پس در این شعارها قلب­ها آرام می­گیرند، و این شعارها به قول امام (ره) کارخانه انسان سازی هستند­، ایمان را محکم می­کند صبر را زیاد می­کند، تشویق، ترس و نگرانی را کم می­کند(بی­آزار شیرازی، 1362: 116)

ه: نماز و تاثیر آن بر روابط اجتماعی انسان ها: در امور اجتماعی و اداری، خانوادگی، نظامی و همه جا اگر روابط انسانی حاکم باشد امکان موفقیت در آن محیط یا نظام بیش تر و بهتر خواهد بود، اگر در محیط اداره به جای روابط دوستانه رابطه رئیس و مرئوسی حاکم باشد مسلماً روابط همکاری به تدریج رنگ می­بازد، و اگر اجبار و تنبیه یا تشویق و پاداش درکار نباشد امور آن واحد اداری پیش نخواهد رفت، روابط انسانی نیز خود به خود با مقوله فطرت ارتباط مستقیم دارد و دین و عبادت و بالطبع نماز نیز فطری است وآن چه که با فطرت مرتبط باشد امکان توفیقش بیش تر است، نماز این روابط اجتماعی را گسترده­تر و بیش تر و با دوام­تر می­کند و اعتماد افراد را نسبت به هم بیش تر می­کند.

وقتی نمازگزاران هدفی واحد و مشترک (لقاء­الله) داشته باشند اعمالی مشابه انجام دهند، پاداشی و تنبیه مشابه داشته باشند هیچ گونه امتیازی و برتری را نسبت به هم نبیند درآن صورت بین آن ها روابط دوستانه­تر خواهد شد دلایل این امر را شاید بتوان این گونه بیان کرد:

1-«سجده انسان را خاکی و متواضع می­کند و انسان خاکی هرگز لفظ من را به کار نمی برد بلکه”ما» را جایگزین«من» می­کند و وقتی”من» ما شود تملکات نیز به همین”مال ما» می­شوند نه”مال من» در آن صورت امکان زد و بندهای اداری از بین می­رود، در خانواده همه برای هم تلاش می­کنند« با هم می­خندند نه به هم«در تیم ورزشی به جای مانور و تبلیغات شخصی، تیمی و گروهی برخورد می­کنند. در خیابان، شهر کشور و جامعه­ی دینی همه برای موفقیت« هم شهری» و« هم محلی»“هم وطن» و«هم نژاد» و هم زبان تلاش می­کنند و حس ناسیونالیستی با فاکتورهای آن از بین می­رود و به تعبیر جامعه­شناسان، مسلماً به جای مرز رودخانه­ای کوهستانی، سیم خاردار یا مرزهای قراردادی بر اساس طول و عرض جغرافیایی، مرز عقیده حاکم می­شود هر جا مسلمان نماز­گزار باشد، هم وطن است، و نماز یعنی بریدن از منیّتها و درس تواضع و خاک طبعی است(افروز، 71­13: 42)

2- رعایت حقوق دیگران در نماز و شرط قبولی نماز و باطل نبودن آن غصبی نبودن لباس، مکان و آن چه که مربوط به نماز است، این امر پایه و اساس رعایت حقوق دیگران است و روابط اجتماعی مسلمانان این­گونه بنا نهاده می­شود، مسلمانی که این گونه مسلمانی را می­پذیرد و در جرگه نماز گزاران قرار می­گیرد در تمام مراحل و جوانب زندگی خود رعایت دیگران را می­کند، او شعار« اگر نه من پس چه کسی» و اگر نه حالا” پس کی» را مطرح می­کند. او نمی­گوید به من مربوط نیست امر به معروف و نهی از منکر شعار اوست او طبق سفارش قرآن کریم (نه به کس ظلم می­کند و نه از کس ظلم می­پذیرد) او حقوق دیگر را ضمن این که رعایت می­کند، در بیش تر موارد حق خود را اختیاراً به دیگران نیز می بخشد.

3-« نمازگزار وقت شناس و منظم است. او لباس خود، جای خود و وقت خود را تنظیم می­کند و نظیف و پاک آماده در برابر خداوند قرار می گیرد، مسلماً در زندگی عادی و روزمره اجتماعی خود نیز این امور رعایت می­کند، اگر قرار قبلی با کسی دارد سر موقع حاضر می­شود. اوقات شبانه روز خود را طبق سفارش بزرگان دین از جمله حضرت سجاد(ع) (افروز، 1371: 42)تقسیم می­کند او نه وقت کم می­آورد که به کارهای خود نرسد و نه وقت اضافه می­آورد که سرگردان باشد و نداند که چه گونه اوقات شبانه روز خود را سپری می­کند، در امور اداری، خانوادگی، ورزشی وقت شناس و منظم است، ظاهر او نیز به همین ترتیب، لباس که می­پوشد آرایش سر و صورت الفاظی که به کار می برد، به موقع و به جا حرف می­زند. لفظ”­کم گوی وگزیده گوی چون دُرّ” مصداق کار اوست، تن صدای او طرز راه رفتن او سفارش قرآنی است، یعنی در حرف زدن داد نمی­زند و یا بسیار تند راه نمی­رود و در یک کلام یک انسان مسلمان نمازگزار، خداپرست و خداپسند است.

4- طبق نظر قرآن کریم :« شرط وحدت امت اسلامی و برادر ایمانی شدن، نماز خواندن است(سوره توبه: آیه یک)یعنی نماز رکن تشکیل یک واحد اجتماعی و اعتقادی است که ابتدا برادر ایمانی شکل گرفته و سپس بر اساس آن وحدت ایجاد می­شود و جامعه تشکیل می­شود.

5-نماز انتظام بخش است(صف نماز جماعت، رعایت ترتیب در نماز، قیام و قعود به موقع، وقت نماز، با هم خواندن، با هم سکوت کردن و با هم دعا کردن) همه به نوعی در ایجاد روابط دوستانه، صمیمی و مذهبی موثر است.

6-نماز هماهنگی ومساوات را به دنبال دارد، حرکات نماز بیانگر این ادعاست، پیشانی با نوک انگشت برابراست، و هر دو در خاک(رئیس بدن برابر با خادم بدن) در عین حال هیچ کس نه رئیسند و نه خادم زیرا از هر عضوی کار جداگانه ای بر می­آید یعنی ضمن هر کدام از کار خود را انجام می­دهند و تمایزی نسبت به هم ندارند(به حکم وظیفه) در عین حال سلسله مراتب قدرت نیز رعایت می­شود مرد و زن، بزرگ و کوچک، آزاد و بنده، فقیر و غنی، رئیس و مرئوس، و به تعبیر بسیار زیبای آقای قرائتی" نماز جماعت تمرین عملی از مردم بودن، با مردم بودن و در مردم بودن است(قرائتی، 72­13: 42) و انواع هماهنگی و مساوات افراد، شغل­ها و رنگ­ها و خانواده­ها، هنرها و تخصص­ها و غیره(در کنار هم) دیده می­شود.

7-نمازهای جماعت(از هر نوع که باشد) از یک طرف در نمازگزاران اثر عمیق معنوی دارد(مثلاً) در نماز میت حتی برای مدت کوتاهی هم که باشد یاد آخرت و اعمال نیک دنیا به ذهن نمازگزاران خطور می­کند و به رشد معنوی آنها کمک می­کند و از سوی دیگر بر همبستگی و یکپارچگی مسلمانان می­افزاید.

8-شهادت به رسالت حضرت رسول (ص) چه در اذان و چه در تشهد رکعت دوم و سوم و چهارم و هم چنین یاد­آور و بیعت و پیمان مسلمانان با پیامبر است و ادای این جملات کلید ورود به اسلام است و دستورات الهی و علی (ع) در اذان او را به عنوان عالی­ترین تربیت یافته و پیامبر و مظهر امامت و پیشوایی می­شناسیم، نماز این رابطه بین ما و گذشتگان مقدس ما و آیندگان که این انتظار از آنها می­رود برقرار می­کند.

9- نماز با ذاکر کردن فرد در خارج از نماز، اعمال انسان را منطبق با هدف نماز می­کند و وقتی که در خارج از نماز عمل فرد منطبق با جهت نماز او باشد آن عمل خارجی اش تاثیر روی معنی پیدا کردن نماز و نتیجه گیری از نماز می­گذارد(حاری شیرازی، 1362: 5)

10-برقراری ارتباط با مسلمانان کشورهای دیگر از طریق عربی خواندن نماز وگسترش دایره فرهنگی اقتصادی اجتماعی و سیاسی به واسطه نماز و در واقع مرزهای مصنوعی را می­شکند و یک مرز عقیدتی و فرهنگی خاصی ایجاد می­کند و ارتباطات را آسانتر می­کند و علاوه بر وحدت و برادری باعث فراگیری زبان واحد ملل اسلامی وجلوگیری از اختلالات عقیدتی، طبقاتی، قومی و نژادی و غیره نیز می­شود، و روحیه اخوت و برادری را تقویت می­کند.

11-هر روز مسلمان بدون هیچ امتیازی با شنیدن اذان برای نماز جماعت گرد هم جمع می­شوند و روح ایمان و وحدت و همبستگی و تعاون و همیاری که ضامن اجرای قوامین است درآن­ها تجدید وتقویت می­گردد.

12-در نماز جماعت امتیازات موهوم صنفی، نژادی، زبانی، مای و غیره نفی می­شود.

13-در نمازهای جماعت این امر رانمی­توان نتیجه گرفت که امام بر ماموم برتری دارد به دو دلیل: اول این که جهت رفع این ادعا جایگاه نماز امام پایین­تر از ماموم هست ثانیاً تاثیرات امام و ماموم متقابل است یعنی اگر امام درمقام توصیه بر می­آد، متقابلاً ماموم نیز می­تواند ایرادات امام را بگیرد و یا اگر فرد به امام جماعت عادی اقتداء کرد به این معنی است که عدل را پذیرفته و از ظلم وجور رویگردان است و بر عکس.

14-نمازگزار نسبت به دیگران حس خیر­خواهی دارد و اعمالی چون غیبت، سوء ظن، بدخواهی و قطع رابطه و غیره که عبادات را زایل می­کند و پیوندهای خانوادگی را بر هم می زند، بنابراین یک نمازگزار دست به چنین اعمالی نیز نمی زند.

تاثیرات نماز بر مسائل سیاسی

الف) انتخاب رهبران مصلح: در نماز به ویژه نمازهای که به صورت جماعت برگزار می­شود شکل اولیه امت واحده­ای موردنظر و تاکید قرآن­کریم پدیدار می­شود، این امت واحده خود دولت و حکومتی را می­طلبد که حق و وظیفه حکومت بر این امت را دارد و چون در حکومت­های دموکراسی دینی این افراد نیز توسط مردم(امت) انتخاب می­شوند پس در این جوامع یک امت و دولت ایده­ال خواهیم داشت.

در نمازهای جماعت فردی که به عنوان امام انتخاب می شود در واقع نوعی گزینش رهبریت و در قرآن کریم نیز در چند جا نیز مستقیماً به انتخاب ولایت و رهبر در جریان نماز اشاره شده از جمله درآیات 45 و 153 سوره بقره آیه 6 و4 سوره مریم.

آقای قرائتی در کتاب یکصد و چهارده نکته درباره نماز، ویژگی­های امام جماعت را ذکر می­کند که با کنکاش در این مورد این نتیجه عاید می­شود که نماز­های جماعت و نقش­های که درآن دیده می­شود به نوعی بیانگر اثر نماز بر مسایل سیاسی است:1-داشتن علم، تقوی و عدالت2-درهنگام نماز از جهت جایگاه در موقعیتی پایین­تر قرار می­گیرد تا برتری امام بر مأموم نفی شود.3-امام جماعت همان رهبر جامعه اسلامی است و شهرت نماز جمعه نیز بر مسایل سیاسی و عبادی بودن آن است4-خودبین نبودن وتحمیلی نبودن امام جماعت5-ارثی نبودن امام جماعت6-پاک بودن امام جماعت در همه مسایل سیاسی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و موارد دیگر.(قرائتی،1372: 72)

ب)انجام عمل سیاسی براساس دستورات قرآن ونماز: فرد نمازگزار ساکن درجامعه اسلامی سعی می­کند درهرشرایط رعایت ویژگی یک فرد مسلمان را بنماید چه درانجام اعمال مذهبی و اجتماعی و سیاسی و چه در انجام اعمال خصوصی، به تعبیر دیگر همیشه و در همه حال عالم را محضر خدا می­داند و سعی می­کند در محضر خدا معصیت نکند انگار خود نماز به عنوان نیروی کنترل گراست و مثلا در مقام یک شهروند او فقط تابع قوانین مدنی نیست بلکه علاوه بر رعایت این­گونه قوانین، در خانواده نیز یک فرد مسلمان، در ورزشگاه یک ورزشکار یا تماشاچی مسلمان و در شهر و جامعه یک شهروند اجتماعی مسلمان نمازگزار است پس سعی می­کند تمام اعمال و رفتار خود را متناسب با این اصل اساسی تطبیق دهد، مثلا وقتی خود درمقام کاندیداتوری در می­آید بسان یک فرد سیاسی مسلمان تبلیغات دروغین نمی­کند، وعده­های بی­جا نمی­دهد در حزب یا گروهی که دغل­کاری و دروغ­، خراب کردن چهره دیگران، دست درازی به بیت المال، دزدی ورانت خواری و فساد و..عملا دیده می­شود ولی در شعار مظلوم­نمایی می­کنند، عضو نمی­شود، عملش با گفتارش یکسان می­شود و به گفته حضرت ابراهیم (ع)زندگی­اش­، مرگش، نمازش، عبادتش همه برای خداوندگار دو جهان است.

به علاوه درامر تکلیف شرعی جهت انجام امور سیاسی به ویژه انتخابات، و غیره، لزوم انجام این­گونه امور شاید حتی انجام احکام در شرایطی(به استثنای) نماز، ضروری­تراست زیرا تا شرایط مسائل اجتماعی و سیاسی برای انجام اموری چون تشکیل حکومت اسلامی، برقراری قسط و برپاداری اقتصادی اسلامی وجود نداشته باشد مسلماً امکان رعایت بسیاری از آن­ها نیست. به این دلیل انجام عمل سیاسی به قصد ایجاد و تثبیت، نگهداری و حفظ این شرایط لازمه مسلمانی یک مسلمان نمازگذار است، و در مواردی پذیرش حکومت جائر و جابر به بهانه­ی انجام امورعبادی­، به شکل انزوا وگوشه­گیری و ریاضت در اسلام و به ویژه فقه پویایی شیعه مردود است اسلام با برنامه­های عملی وتمرین های روزانه و شعارهای سازنده اذان و اقامه نماز وسایرعبادات، ایده ها وتعهدات ومسئولیت­ها را در میان همه اقشار زنده و پایدار نگه داشته و باعث می­شودکه دولت وملت به عهد خود وفادار باشند.

نماز جاعت در ایجاد احساس همدردی بافقرا (قرائتی، 1369: 12)نیز موثراست از طریق طرح امداد یا تشویق نمازگزاران جهت کمک به فقرا به ویژه در نماز عید فطرکه اصلا به شکرانه روزه­داری و همدردی با فقرا صورت می­گیرد؛ مطرح است.

با شناخت ویژگی های مأموم شاید نکته دیگری ازرعایت حکومت مردم اسلامی را بیش تر متوجه شویم که عبارتند از:-اقتدای ماموم به امام-مأموم جلوتر از او نمی­ایستد-مأموم زودتر از امام جملات و اذکار را ادا نمی­کند.-مأموم با تلاش و اجتهاد می­تواند تغییر موقعیت دهد، البته در موارد استثنایی.

یعنی اگر متقی­ترباشد و سایر شرایط امام را کسب کند به امامت جماعت ارتقاء یابد، البته نیاز به تذکر نیست که این مقام تشریفاتی است و موقعیت و مرتبه اداری محسوب نمی­شود و این معیار قدرت درواقع فقط داشتن تقوا است که امام نیز ازاین طریق به مقام امامت رسیده است، چون یکی ازشروط قبولی و پذیرش عبادت به درگاه خداوند، شناخت درست رهبر جامعه اسلامی است بنابراین خود به خود تأثیر سیاسی خواهد داشت، زیرا فرد را هدایت می­کند به سمت پذیرش رهبر جامعه اسلامی و ولی فقیه، چون در غیر این صورت عبادت او مفهومی نخواهد داشت.به چند مورد از احادیثی که در این مورد وارد شده است دقت فرمائید، حدیثی از امام محمد باقر(ع) رسیده که می­فرماید:«من دان اللّه بعباده یجهُدفیهانفسه ولا امام له من اللّه فسعیهُ غیرمقبول»یعنی کسی که ایمان به خدا دارد و عبادتهای جان فرسا انجام می­دهد ولی امام شایسته­ایی ازطرف خدا ندارد وتلاش بی فایده وپذیرفته نیست(قرائتی، 1368: 27)

«بُنی الاسلام علی خمس:الصلوه والزکوه والصوم والحجّ والولایه ولم یونادِ بشیی ءِ کمانودِی بالولایه؛ یعنی اسلام به پنج چز استواراست.نماز-زکوت و روزه وحج و ولایت وهیچ چیز به اندازه ولایت مورد خطاب نیست.(همان)

و یا این روایت:که مسلمانی که امام زمان خود را نشناسد و درهمان حال بمیرد مثل جاهلان مرده است همه دلایلی است که فرد مسلمان نمازگزار در ارتباط با رهبرجامعه اسلامی می­بایست مورد توجه قرار دهد وارزشی است که در اسلام به مسائل سیاسی به ویژه رهبر جامعه اسلامی داده شده است.

«آقای علیرضا وحدت پنا نماز را علاوه بر یک عمل عبادی یک عمل سیاسی هم می­داند اومعتقد است: درحالت فردی علاوه بریک عمل عبادی یک عمل سیاسی هم می­باشد.زیرا قبول خداوند و عدم تسلیم در مقابل غیرخدا به معنی تسلیم نشدن در مقابل هر طاغوت و هر حکومت مستبد است و اضافه می­کند نماز درحالت جماعت بخصوص نماز جمعه کاملاً دارای بار سیاسی می­باشد، و نماز هم خود یک مبارزه است وهم زمینه مبارزه را فراهم می­کند.(وحدت پناه، 1386: 61)

ج) تأثیر نماز برافراد در همه امور و مسایل: اهم آگاهی هایی که در نماز به افراد داده می­شود از این قرارند:1-«آگاهی­های سیاسی: به دلیل اینکه امام جماعت عمدتاً از بین رجال آگاه به امورسیاسی خود رهبر و یا فردی از جانب او انتخاب می­شود ودر حقیقت موثرترین منبع اطلاعات سیاسی است.2-آشنایی با مفاهیم مذهبی، احکام، شرایع وآن چه که لازم است یک فرد مسلمان نمازگزار بداند.3-آشنایی با توطئه دشمنان ونحوه برخورد با آن­ها.4-بازشناسی افراد مومن از غیرمومن و حتی مسلمان از مومن و متقی.5-آشنایی با وضع محرومین جامعه 6-آشنایی با انواع دعاها برای اهل دعا،7-آشنایی با میزان داشته­ها وامکانات مادی و معنوی جامعه.8-افزایش اطلاعات عمومی توسط ائمه جماعات یا خطبایی که ایراد خطبه می­کنند.9-آشنایی با وظایف زن وشوهر و به طورکلی مسائل خانوادگی، تعدّد زوجات،آمارطلاق، عوامل موثر برآن­ها و غیره.(قرائتی، 1369: 232)

این آگاهی­ها مسئولیت­هایی را ایجاد می­کند، برای طرفین نماز یعنی هم ائمه به عنوان دست اندرکاران و مسئولین برگزاری نماز جهت انجام مطالعه و افزایش اطلاعات خود که در واقع نوعی اجبار به حساب می­آید جهت ارائه مطلب در خطبه­ها مسلح به اطلاعات روز باشد از طرف دیگر نمازگزاران ومسطمعین نیز جهت درک دریافت اطلاعات ارائه شده توسط ائمه با خطباء خود را نیازمند و موظف به مطالعه می­بینند که در مجموع به اطلاعات هردو طرف اضافه می­شود،”ونتایج این تأثیرآن است که از بیگانگان تبری می­جوید و به زورگویان نه می­گوید و تن به ذلت­ها نمی­دهد و غیرخدا را نمی­پرستد و هیچ انسانی را رب قرار نمی دهد.(مطهری، 1376: 355)

د) نماز عامل ایجاد تشکیل ها، گروه ها و انجمن های سیاسی: نماز جماعت یک« جماعت» می باشد جماعت خود گروه نیست ولی می­تواند منشاء تشکیل گروه­ها و انجمن­ها و احزاب واقع شود و هم چنین در جوامع مختلف عوامل مختلفی در تشکیل گروه­ها موثرند از مسائل مادی گرفته تا خون و نژاد­، عقیده­، قدرت و غیره، در کل آن چه که در اسلام عامل ایجاد گروه است، تقوی است، تقوا مرز ایجاد می­کند و بر اساس آن گروه کافر، مشترک منافق، ملحد، یاغی، مسلمان، مومن، متقی، ضالین، مغضوبین و غیره متناسب با میزان داشتن یا نداشتن این معیار از یکدیگر مجزا می­شدند. یا الفاظی چون امت، قبیله، طایفه، نیز بر همین اساس است.

به عنوان نمونه مشرک به کسی اطلاق می­شود که قدرتی را درکنار خداوند به عنوان شریک او به حساب آورد یا مسلمان کسی است که فقط شهادتین را ادا کند یا امت به واحدی اجتماعی و مجموعه­ای از انسان ها گفته می­شود که دارای امام و پیشوای مشترکی باشند، بر همین اساس خطاب خداوند در قرآن کریم متفاوت است، در جایی مومنون و در جای دیگر کافرون منافقون و... بکار برده است.

« نماز جماعت به ویژه جمعه، مظهر وحدت مسلمین و شکوه و عظمت اسلام است و بعد از مراسم حج شاید وسیعترین و بزرگترین اجتماعات در جوامع اسلامی است که بدون هزینه و بسیار آسان شکل می­گیرد و وقتی به وجود آمد وعده­هایی برای جلسات بعد نمازگزاران به هم می­دهند، دوستی­های اولیه که پایه تشکیل گروه­های هم فکر است شکل می­گیرند، بعدها همین گروه (دوستی) خود عامل ایجاد گروه­ها، انجمن­ها و احزاب سیاسی، گروه­های صنفی و عقیدتی می­شود.

نمازهای جمعه و جماعت محل تشکیل نیروهای اسلام نمایش وحدت و قدرت مسلمانان و میعاد نمازگزاران مومن و در نهایت محلی است که محل نشان دادن افتخارات، قدرت و اثبات به اغیار است.»(قرائتی، 1372: 5) این اجتماع ملت یا امت را ایجاد می­کند و به دشمنان (نه) و به پیروان دلگرمی می­دهد مثل این می­ماند که اگر بر جهت نمایش توانمندی­های نیروهای مسلمان برآئیم بدین طریق به راحتی این امر امکان پذیر است، و به همین خاطر می­بایست در جهت پاسداشت و تقویت آن کوشید، چرا که به تعبیر بسیار زیبای رهبر انقلاب در پیامش به سمینار نماز در مشهد در سال 1370 برپا داشتن نماز نخستین ثمره و نشانه حکومت صالحان است، سپس نوبت به زکوت به مشابه تنظیم مالی و ریشه کن کردن فقر و امر به معروف و نهی از منکر یعنی سوق دادن به نیکی ها و بازداشتن از بدی­ها می­رسد.

تاثیر نماز بر عوامل فرهنگی

الف) تاثیر نماز بر فرهنگ یک جامعه: یکی از راه های وشاید مهم ترین و بهترین راه تمایز در جامعه از یکدیگر فرهنگ آن جوامع است، حال اگر مجموعه تشکیل دهنده عناصر فرهنگی توان پاسخگویی به نیازهای مردم باشد مطمئناً نسبت به فرهنگ­های دیگر استحکام و برتری بیش تری خواهد داشت و در برخوردهای فرهنگی، فرهنگ دیگر را تحت سیطره درآورده و به تدریج تغییر داده و حتی شاید به نابودی بکشاند، اگر عناصر تشکیل دهنده فرهنگ توسط انسان ها وضع شود ثابت نخواهد ماند یعنی با توجه به مقتضیات زمان تغییر می­کند و خود را با وضع موجود هماهنگ می­کند ولی اگر این هنجارها از جانب قدرتی برتر یعنی خداوند وضع شود ثبات و دوام بیش تری خواهد داشت و حتی همیشگی و دائمی خواهد بود، از جمله این هنجارها فطرت، غرایز و هنجارهای چون عبادت و نماز است که اگر عناصر تشکیل دهنده یک فرهنگ، مذهب را در ایجاد عناصر تشکیل دهنده آن یاری دهد آن عناصر بر دیگر عناصر غلبه و حتی پایدار می­ماند، و حتی آن فرهنگ نیز به دیگر جوامع صادر می­شود مثل جوامع اسلامی در صدر اسلام.

فرد نماز­گزار قدرت را به خدا داده و هر قدرت غیر­خدایی را نمی­پذیرد، بنابراین دیگر قدرت­های سرمایه داری، فرهنگی، نظامی(مثل انواع مد­پرستی، امواج ماهواره­ها، اینترنت و غیره) نمی­توانند شکننده موج مذهبی او شود، شاید بتوان بزرگترین دلایل مسخ شدن فرهنگی جوامع اسلامی را چنین بر شمرد:1-پیشرفت های سریع صنعتی غرب به واسطه جنگهای صلیبی که به واسطه آن، آنها با پیشرفت­های مسلمانان آشنا شدند. 2-وجود تصمیم گیرندگان و رهبران خوشگذران و سست عنصر جوامع مسلمان بود که اسلام را بد فهمیده و بد تعبیرکردند. 3-ناآشنایی مردم عادی جوامع مسلمان با مفاهیم اصیل اسلام و به زبان دیگر تحریف اسلام توسط حکومت­های اموی، عثمانی، عباسی و پادشاهان جوامع مسلمان بود که هر کدام در یک فقیهی ظاهر شده و فتوی می­دادند به ویژه در ایران حکومت صفویه و قاجاریه و قبل از آن اسماعیلیان، این حکومت­ها اسلام را از حالت پویایی و تحرک و به روز بودن درآورده و یا لااقل فرهنگ سازی متناسب و مطابق با نیاز جوامع نکردند، در حالی که جوامع دیگر این اصل را در نظر گرفتند بنابراین این زمینه را برای گرایش جوانان جوامع اسلامی به سمت فرهنگ نو که پاسخگوی نیاز جوانان بود جذب کردند، برای نمونه قرآن کتاب زندگی است کتاب سیاست، پیشرفت و توسعه، اما سلاطین جوامع اسلامی مقام آن را در طاقچه، مساجد، برای مرده­ها، مسافر را زیر قرآن رد کردن، دعا نوشتن و ثواب بردن و غیره پایین آورند.

ب) نماز عاملی بر ای جلوگیری از تهاجم فرهنگی: در تمام مراحل نماز ما به نوعی نفی رو به رو هستیم ابتدا نفی سپس قبول، مثاً وقتی در اذان و اقامه ذکر اشهد ان لا اله الله را بیان می­کینم ابتدا نفی می­کنیم همه قدرت ها را که این نفی لفظی نیست و نفی خود الله های دروغین نیز نیست بلکه نفی به همراه خود آن الله شامل مظاهر آنها نیز می­شود، یعنی شیطان را با تمام ویژگی­های شیطانی، یعنی آن چه که در خداوند به عنوان صفات ثبوتیه می­بینیم و در شیطان نمی بینیم بنابراین رد می­کنیم شیطان را با تمام مظاهر شیطانی آن حتی در لفظ محاوره­ای روزانه نیز لفظ لعنت بر شیطان با الهام از این اصل است یعنی هر کار زشت، حرکت زشت، لفظ زشتی را شاهد باشیم قصد رد و ترد آن را داریم و این واژه را به کار می­بریم مظاهر شیطانی شامل لباس، سرمایه، فرهنگ، طرز صحبت کردن، ظاهر، نوع غذا خوردن، وسایل آرایشی، نحوه آرایش، لوازم خانه و. ... یا در سوره حمد جمله غیرالمغضوب علیهم ولاالضالین را بیان می­کنیم باز همین معنی از خدا می­خواهیم ما را به راه راست هدایت کند، نه راه مغضوبین و گمراهان را، مجدداً نمودی از رد فرهنگ های بیگانه است.

« توسل به نماز و توکل به خدا عمل انسان نمازگزار را هدایت کرده و در جهت خاصی قرار می­دهد و در آن صورت می­توانیم رابطه مستقیمی به تعبیر قرآن کریم بین اعمال صالح مردم و حوادث روزگار از جمله بارش باران توسط فرد نماز­گزار (نماز استسقاء) ارتباط بیابیم (قرائتی، 1372: 25)اگر فرهنگ را به یک معنی آداب و سنن، راه و روش و طرز زندگی مردم بدانیم، نماز در واقع مشخص کننده طرز زندگی است، زیر بار زور نرفتن عدم پذیرش هر قدرت، چاپلوسی نکردن، خیر خواهی برای خود ودیگران، دعا به جان صالحین و آرزوی سلامتی آن­ها ستایش خداوند به عنوان خالق هستی، دعوت به فلاح و رستگاری، دعوت به نماز، دعوت به مبارزه با قدرتهای غیر خدایی و عدم پذیرش غیر او- همان آداب و رسوم زندگی است و قرآن کریم نیز در سوره اسراء آیه یک و سوره ص آیه 16 این ادعا را اثبات می کند.

نماز گزار طبق دستور قرآن کریم باید با تجمل در نماز ظاهر و حاضر شود به این معنی که وقتی در پیشگاه عظیم ترین قدرت ظاهر می­شود پس نیاز به زیباسازی و رسیدگی به وضع خود دارد و باید مرتب باشد و خود این امر ایجاب می­کند که در برابر غیر خدا بدون تجمل ظاهر شویم و به این دلیل در واقع نماز­گزار از طریق نفی تجمل دروغین و عدم استفاده از تجملات نیز می­تواند نافی مدگرایی و در نتیجه مانع تهاجم فرهنگی شود.

نماز حافظ فرهنگ اسلامی و انسانی و سازنده فرد و به عنوان متخلص به این اخلاق خاص: اجزاء و عناصری در جریان نماز ایجاد و ابداع می­شود که در مجموع وقتی به صورت یک کل واحد نگریسته شود، فرهنگ مخصوص ایجاد می­کند که در فرهنگ های دیگر مشاهده نمی­شود و نماز در همین حد باقی نمی­گذارد بلکه پیگیر قضیه می­باشد، این امر از طریق درونی کردن فرهنگ نماز صورت می­گیرد و به گونه­ای که این فرهنگ درونی شده جزئی از وجود فرد نماز­گزار می­شود و به صورت ارزش ها و هنجارهایی نمود عینی و ملموس پیدا می­کند، مثلاً در ادارات ستادهای بخصوص، نمازخانه، مساجد و در خود فرد نیز به صورت ملکه ذهن درآمده و جزئی از وجود او می­شود و این در صورتی امکان پذیر است که نماز به صورت فرهنگ و باور درآید.

سردبیر مجله پاسدار اسلام در شماره 189 این نشریه درباره فرهنگ نماز این گونه می­نویسد:« اگر نماز به صورت فرهنگ و باور درآید دیگر نباید دغدغه خشونت و خیانت و رشوه و تملق، ماهواره و ابتذال و افتراء و تخریب و فساد و فحشاء دل را بیازارد، کسی به سر­چشمه­ی نور رسیده است وی را با ظلمت چه نسبت است؟

آن کس که در اندیشه­ی کسب نعمت خداوند و هدایت در صراط مستقیم است، رضایت الهی را در پای هوس­های زود­گذر شکم و شهوت و قدرت به مسلخ نخواهد برد، آن کس که مغضوبین و ضالین را درست نمی­داند و به ناامنی و سرقت و جنایت کمر نمی­بندند و....

شهید بهشتی نیز درباره آثار نماز اعتقاد دارد :« این است نماز اسلام که باید آن را سرود توحید و یکتاپرستی، سرود حفظ شخصیت انسان، سرود پاکی و فضیلت، سرود صلح و صفا با همه ی بندگان نیکوکار، سرودی که همه­ی مسمانان باید روزی پنج باز بخوانند تا یاد خدا و ملکات عالی انسانی همواره درآنان زنده بماند، و از انحراف از راه راست از آلودگی به شرک و از خود باختگی در برابر زیبائی­ها یا مرغوب شدن در برابر قدرت­های خود­کامه، از ناسازگاری با بندگان نیکوکار خدا و از مفاسد دیگر روحی، مصون بمانند درست مثل سرودی که سربازان صبح و شام می­خوانند تا روح سلحشوری آنان زنده بماند یا سرودی که پیشاهنگان می­خوانند تا روح نیکوکاری در آنان تقویت شود.(بهشتی، 1366: 37)

با توجه به تعریف نماز و تعریف نظام به ویژه نظام فرهنگی، نماز یک نظام فرهنگی است بدین معنی که نظام را معمولاً مجموعه ایی از اجزا می­دانند مستقیماً به هم مربوطند و به تنهایی معنی و مفهوم نمی­یابند ولی وقتی در کنار هم قرار می­گیرند یک مجموعه واحدی ایجاد می­شود که معنی­دار است و نماز نیز این گونه است، ابتدا یک نظام است زیرا که هر کدام از ارکان و اذکار را در نظر بگیریم هر کدام یک جزء می­باشد که هر چند معنی­دار است اما مفهوم و مصداق نماز را ادا نمی­کند ولی وقتی آن­ها را در کنار هم به صورت منطقی و با رعایت مراحل قرار دهیم همانگونه که در ترتیب نماز دیده می­شود در آن صورت نماز نیز یک نظام است نظامی است فرهنگی.

زیرا طبق تعریف نظام فرهنگی یا فرهنگ می­بینیم که نظام فرهنگی و نظام نمازی با هم مترادف است و اگر جنبه­ی مادی آن را در نظر بگیریم حرکات نماز را در بر گرفته و در ضمن به دنبال خود نوع رفتار، لباس، برخورد با دیگران و نحوه زندگی, نوع غذا و... رادر پی دارد که با فرد بی­نماز متفاوت خواهد بود مدل فرهنگی نیز از مجموعه چند مجموعه فرهنگی ایجاد می­شود و هر مجموع مشتمل بر چند عنصر و جزء فرهنگ است پس هر عنصر فرهنگی بر مجموعه فرهنگی و هر مجموعه فرهنگی بر مدل فرهنگی و نظام فرهنگی اثر می گذارد، حاکمیت اسلام نیز به عنوان یک نظام یا مد فرهنگی مجموعه عبادات به ویژه نماز، (مجموعه فرهنگی) را ایجاد می­کند و اجزای نماز به عنوان عناصر و نمادهای آن، طرز نیاز و درک نحوه و حتی وسایل زندگی فرد را معین می­کند.

نتیجه

هر چه نماز تکرار شود در هر بار تکرار نکات جدیدی از آن بدست خواهد آمد مثل معلمی که هر شب درس روز بعد خود را مرور کرده و نکته جدیدی از آن در می یابد، بنابراین جلوه گاه خدا بر روی زمین است و گفته امام: که عالم محضر خداست و در محضر خدا گناه نکنید و یا گفته رسول اکرم که قلب­ها حرم خداوند هستند و در حرم خدا غیر خدا را منشانید در واقع عمق تاثیر نماز بر یک فرد را می رساند. پس تاثیرات و اهداف نماز عبارتند از:1-هدف نماز, ذكر و یاد خداوند متعال است ; ذكری كه مقدمهء فكر و فكری كه مقدمهء عمل باشد.2- نماز وسیلهء پاك كردن گناهان است،3- نماز سد بزرگی است در برابر گناهان، چون روح ایمان را در انسان تقویت كرده و نهال تقوا را در دل پرورش می دهد.4- برطرف كنندهء عجب و كبر (خودخواهی و خود برتربینی) است 5- موجب پرورش فضایل اخلاق و تكامل معنوی است.6- نماز روح نظم و انضباط در انسان را تقویت می­كند. 7- باعث دور شدن از گناهان و کارهای زشت می شود و باعث آرامش روان و نیز افزایش رزق و روزی می­شود.

بخاطر همین عوامل است که رواج نماز همواره مهم ترین دغدغه مسئولان یک کشور اسلامی و بخصوص کشور ما می­باشد و با رواج آن می­توان انتظار داشت که جامعه سالم و پویا و ابتکار انگیز و بدور از بیگانگان خواهیم داشت نماز روح خود باوری را در جامعه زیاد می­کند و اتکا به نفس یک جامعه را افزایش می­دهد.

به قول نماینده­ای در مجلس سنای انگلیس به سیاست­مداران آن کشور سفارش می­کرد: اگر روزی قرآن و نماز را از جامعه مسلمین گرفتیم دیگر حکومت بر آنان را می­توانیم آسانتر و راحت­تر انجام دهیم، پس رواج نماز در واقع کشورهای اسلامی را می­تواند به اوج سرافرازی برساند و همین نماز می­تواند وحدت جوامع اسلامی را نیز که آرزوی هر مسلمان است جامعه عمل بپوشاند.

منابع و ماخذ

قرآن کریم

افروز، غلامرضا،(1371) روش های پرورش احساس مذهبی(نماز)در کودکان و نوجوانان، تهران: انتشارات انجمن اولیاء­ و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.

بهشتی، محمد حسین،(1366) نماز چیست، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ اول

امام خمینی، روح الله،(1362) رساله نوین (آداب و احکام عبادت و خودسازی) 4جلد، گردآورنده عبدالکریم بی­آزار شیرازی، انتسارات دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و نه

جوادی آملی، محمد تقی، ودیگری، (1377) نماز و نمازگزاران، تهران: انتشارات ستاد اقامه نماز، چاپ چهارم))

حائری شیرازی، محی­الدین،(1362) نماز(درس هایی از استاد حائری شیرازی) قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول

قرائتی، محسن،(1368)راز نماز(برای جوانان) تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول

قرائتی، محسن، ودیگری(1369) پرتوی از اسرار نماز، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول

قرائتی، محسن،(1372) یکصد و چهارده نکته درباره نماز، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم

مطهری، مرتضی،(1376)طهارت روح(عبادت­و­نماز)،گردآورنده حسین واعظی نژاد، انتشارات ستاد اقامه نماز(سازمان وزارت دفاع)، چاپ اول

وحدت­پناه، علیرضا(1386) نماز و جامعه شناسی، تهران: انتشارات ستاد اقامه نماز و احیای زكات، چاپ سوم